



روزنامه تجاری اقتصادی
یکشنبه
۱۴۰۳ آبان ۱۵ جمادی الاولی ۱۴۴۶
۱۷ November 2024
۸ صفحه پنج هزار تومان سال سوم شماره چهارصد و شصت و هفت
www.asrghanoon.ir

قدم زدن زیر پیهپادها

علی لاریجانی که پس از سوریه در راستای اهداف مقاومت به لبنان سفر کرده در حالی که پیهپادهای اسرائیل در آسمان بیروت بودند به پیاده روی پرداخت

علی لاریجانی که پس از سوریه در راستای اهداف مقاومت به لبنان سفر کرده در حالی که پیهپادهای اسرائیل در آسمان بیروت بودند به پیاده روی پرداخت. آنچه علی لاریجانی با خود به بیروت و پیش از آن دمشق برد، بسیار مهم و قابل توجه است. ایران تا آخر ماجرا می ماند و مقاومت تا آخرین لحظه در میدان با قدرت با دشمن مقابله می کند. باوجود جنایت های رژیم صهیونیستی، وضعیت و موقعیت مقاومت عالی بوده و اجازه برتری به دشمن در میدان داده نمی شود. اما مهمترین بخش از این پیام این بود که رای آوردن ترامپ هیچ تغییری در سیاست های کلی جمهوری اسلامی ایران ایجاد نخواهد کرد. ایران مصمم به اجرای وعده صادق ۳ بوده و با تمام قدرت آنرا انجام می دهد.

شاگردی که مکتب ساز شد



این حلم و شکیبایی در امتزاج شجاعت، دلبری، خطرپذیری و روحیه انقلابی که در لحظه لحظه زندگی سید جاری بود، عقلانیت، حکمت و خردورزی وی را بارور و پربرکت کرده بود.

۲

کاهش تنش ها با توسعه علمی



علم برای علم منافاتی با علم برای چیزهای دیگر ندارد؛ بلکه زمینه ساز این موضوع است. ما در میراث غنی خود مطالب فراوانی در مورد علم برای علم می یابیم.

۳

آینده



دو جنگ اوکراین و اسرائیل عملا راه های انرژی اروپا را بسته. تفوق روسیه و مقاومت عملا اراده انرژی در دنیا را از دست غرب خارج می کند. و این یعنی غرب تابع شرق خواهد شد.

۴

مردم چگونه به طلای آنلاین اعتماد کنند؟



دنیای رمزارزها به ما آموخت که باید از کنترل متمرکز عبور کنیم. بیت کوین نشان داد بدون یک نهاد متمرکز نیز توان کارکرد. تا وقتی که نگاه متمرکز جاری و ساری باشد و مثلاً صرفاً اینماد را مختص اعتماد در نظر گیریم، راه را اشتباه رفته ایم.

۵

کتاب نخواندن الگوسازان



کتابخوانی موانع زیادی دارد، اما شاید مهمترین مانع آن کتاب نخواندن پدر و مادرها، مربیان و کسانی است که در جایگاه های الگوسازی برای دیگران قرار گرفته اند.

۶

ضرورت عمومی سازی و همگانی شدن علوم در جامعه



توجه به علمی که برای صلح باشد نیاز به توجه به جنبه های اخلاقی دارد. افراد باید با یکسری ارزش ها برای ترویج علم آشنا شوند تا ارتباط نزدیک بین علم و جامعه برقرار شود.

۷



علی‌ریبعی-لیل‌افلاحتی

ناکامی اجتماعی-فرهنگی در سایه گسست نهاد علم از سیاستگذار شرحی بر ملاقات جامعه‌شناسان با رئیس جمهور



امنیتی بود که منجر به اختلال در روابط مردم و حاکمیت شده است. این شکاف سیاسی در گفتمان نخبگان اجتماعی به عنوان فقدان چسبندگی اجتماعی، عدم انسجام اجتماعی و اختلال ارتباطی مورد توجه قرار گرفت. در عین حال حاضرین ضمن به رسمیت شناختن «راهبرد وفاقی» به عنوان سیاست ترمیمی-جبرانی برای کاهش تعارضات در حاکمیت؛ نسبت به ضرورت «وفاقی با ملت» و پرهیز از نگاه صرف به «وفاقی درون حاکمیتی» هشدار جدی دادند. استمرار در سیاست وفاقی و تسری آن به کل جامعه و لایه‌های اجتماعیو در عین حال عدالت در دسترسی به رئیس جمهور، مورد گفتگوی جدی قرار گرفت.

۲- اضمحلال سرمایه نهادین در جامعه مدنی: جامعه ایران یکی از پرفریت‌ترین ساختارهای شهروندی برای مشارکت و کنشگری اجتماعی است و تا دهه ۸۰ تلاش‌های زیادی برای توسعه جامعه مدنی و بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی برای عبور از بحران‌های جدی همچون مدرسه سازی، تأسیس بیمارستان‌ها و یا رفع بیسودای صورت گرفته است.

این در حالی است که سال‌های پایانی دهه ۸۰، شاهد آغاز برخورد‌های امنیتی و ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های شهروندی هستیم و در دهه ۹۰، این برخورد‌های سلبی با تعطیلی و انحلال بسیاری از این ساختارها همچون انحلال جمعیت امام علی، تعطیلی خانه خورشید و ... با برچسب‌های امنیتی و سیاسی اوج می‌گیرد. محاصل این برخوردها از بین رفتن سرمایه نهادین که به عنوان ساختارهای واسط بین دولت و ملت، عمل می‌کرد بود و این نکته بارها در جلسه مورد تأکید قرار گرفت. تصدی‌گری دولت در فرایند صدور مجوزها و استمرار فشارهای امنیتی بر فعالین جامعه مدنی و تقویت عاملیت های فردی در مقابل عاملیت های جمعی از مصادیق مطرح شده بود.

۳- فرسودگی و انزوای نهادهای کلیدی: سه رکن آموزش، خانواده و دین در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی کلیدی و در سه دهه گذشته بشدت تحت تأثیر و کنترل نهاد سیاست بوده‌اند. مداخله‌گری و تصدی‌گری حکمرانی در قالب سیاست‌های ایدئولوژی‌گرایی در آموزش، مداخله یکطرفه در مسائل خانواده، حاکمیتی و مناسکی کردن نهاد دین، منجر به نوعی فرسودگی و فاصله‌گیری این پیشرانان اجتماعی از کارکردهای اصلی شده است. در واقع حاکمیت، کارکردهای این سه نهاد را با سیاست‌گذاری‌های فرمایشی و یک سویه و با برون سپاری آن به نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی با حلقه محدودی از مشاوران و کارشناسان، دچار اختلال و انزوا نموده است. این در حالی است که ساختارهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی باید پیشران مساله شناسی دقیق و بدور از انحصارگرایی باشند.

۴- مداخلات ناکارآمد و آسیب‌زا: تعدد و سرعت تحولات اجتماعی در یک دهه گذشته، حاکمیت را به جای تامل و بازاندیشی در فرایندها و رویه‌های حکمرانی، به سوی مداخلات گسترده با درون مایه‌های برخورد‌های سلبی و امنیتی سوق داده است. این

مداخلات از سوی جامعه‌شناسان ناکارآمد و رادیکال تلقی شده و به عنوان منشاء فاصله‌گیری و تعارض نسل‌های جدید با آرمان‌ها و ارکان نظام شده است. مستندات و شواهد پیرامون تأثیر این مداخلات در نسل زد بویژه، قبل و بعد از حوادث ۱۴۰۱ و موضوع حجاب، مورد واکاوی قرار گرفت.

۵- ناکارآمدی ساختاری-سازمانی: یکی از مهمترین ویژگی‌های سازمانی در کشور ما، پیچیده شدن بروکراسی و در عین حال ناکارآمدی آن است. این بروکراسی ناکارآمد در تقاطع با فساد گسترده، تأثیر جدی بر زیرساخت‌های حیاتی کشور از جمله آب، منابع طبیعی، خاک، معادن و حتی سرمایه‌های انسانی داشته است. فساد مزمن به «فرهنگ‌تغارتگری» تبدیل و در نبود تعلق اجتماعی، گروه‌های مختلف اجتماعی به منظور کسب سود بیشتر و فارغ از آینده‌نگری (اعم از شهروندان و مدیران) در توسعه این فرهنگ همدستی می‌کنند.

۶- زوال نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی: از دیدگاه جامعه شناسان، دو ساختار کلیدی و نقش‌آفرین در فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آحاد جامعه، دچار زوال کارکردی و فقدان اثر شده‌اند. ایدئولوژی‌گرایی در محتوای درسی، عدم نوآوری، تقلیل اهداف سازمان به تأمین حقوق و دستمزد، سیطره مافیای آزمون و تجارت پرسود کتاب کمک درسی، ضعف محتوای علوم انسانی از مهمترین مسائل نظام آموزش و پرورش تلقی شد. در نظام آموزش عالی نیز مسائلی همچون امنیتی شدن فرایندهای جذب هیات علمی، انسداد تأیید صلاحیت اعضای هیات علمی در دست نهادهای خاص، فقدان انگیزه، گسست از فضای اجتماعی و رخوت در بین دانشجویان، وجود اضطراب و استرس در بین دانشجویان و ناامیدی به آینده، گسست بین اقتصاد و آموزش عالی، حجم بالای سهمیه و بورسیه‌های متنوع مورد اشاره قرار گرفت.

رئیس جمهور نیز متقابلاً بر ضرورت هم‌گرایی و واقع‌بینی نسبت به امکان و امتناع‌های موجود بر تلاش برای ظرفیت‌سازی در حکمرانی با استفاده از نهاد علم و انجمن‌های علمی تأکید نمودند. محوریت داشتن دو رکن «حق» و «عدالت» در رویکرد وفاقی و تلاش برای ایجاد وحدت و عدالت سازمانی در حاکمیت از جمله نکات مهم بود که توسط رئیس جمهور بصورت مفصل مورد اشاره قرار گرفت. دکتر پزشکیان در تبیین رابطه «وفاقی» و «تغییر»، بر این نکته که بدون وفاقی و اعتمادسازی نمی‌توان به سوی تغییر حرکت کرد و تغییر و حل مساله، نیازمند وفاقی و کاهش تنش است، تأکید نمود. اولویت داشتن عدالت آموزشی و ضرورت جامعه‌نگرشدن دانشگاه، بسترگشایی برای رشد گروه‌های مختلف اجتماعی و الزام به مستند و داده محور کردن سیاستگذاری‌ها از جمله راهبردهایی بود که رئیس دولت بر آنها تأکید کرد. در پایان این جلسه رئیس جمهور در گفت و شنود صمیمانه و رو در رو با حاضران که یک ساعت به طول انجامید، بارها براینکه پیرامون مسائل با هم توافق داریم اما «شما به عنوان متخصص بگویند چه کنیم؟» تأکید کردند که حاشیه‌نگاری و شرح خود را می‌طلبند.

کاهش تنش‌ها با توسعه علمی

موضوعی به کار می‌رود به‌عنوان نمونه علم برای توسعه یا علم برای اقتصاد در نظر گرفته می‌شود. اما باتوجه‌به تاریخ علم به نتیجه مهمی می‌رسیم که هیچ کجا علم به معنای حقیقی توسعه کمی و کیفی پیدا نکرده مگر جایی که اهل علم، علم را برای علم خواسته باشند.

هجری با اشاره به اینکه مسئله مهم این است که در جامعه کسانی باشند که علم را برای علم بخواهند اظهار کرد: اگر صحبت از ترویج علم می‌شود موضوع مهم همان ترویج علم برای علم است. ما باید در جامعه روحیه علمی را ایجاد، ترویج و تقویت کنیم. علم برای علم منافاتی با علم برای چیزهای دیگر ندارد؛ بلکه زمینه‌ساز این موضوع است. ما در میراث غنی خود مطالب فراوانی در مورد علم برای علم می‌یابیم. امام محمد غزالی را همه می‌شناسند که در میان آثار ایشان کتابی با عنوان میزان العمل وجود دارد. در این کتاب از علم و عمل صحبت می‌شود که برای سعادت انسان ضروری است. در بخشی از این مباحث به مقوله علم برای علم اشاره می‌شود لذت عالم در جایی است که مشکلات امور برایش کشف می‌شود. این موضوع را کسی درک نمی‌کند و برای این لذت‌نهایی نیست چرا که برای علم نیز نهایی نیست.

مدیرگروه اجتماعی و فرهنگی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و

جامعه ایران در چند دهه گذشته همواره دچار تحولات اجتماعی بوده که برخی از آنها آشکارا و برخی دیگر در لایه‌های زیرین در حال تکوین بوده‌اند. این تحولات از ویژگی‌های مهمی برخوردار بوده که شاید مهمترین و بارزترین وجه آن بروز و ظهورهای سینوسی و مقطعی بوده است. اما در یک دهه اخیر سرعت، عمق و گستره این تحولات آنچنان بوده که بخش زیادی از این تغییرات از لایه‌های زیرین به سطح کشیده شده و کاملاً قابل ملاحظه و مشاهده شده است.

در واقع یکی از مهمترین مسائل عرصه سیاست در کشور ما دست نیافتن به یک تعریف مشترک از مساله و علت‌یابی‌های اشتباه و تبدیل این تحلیل‌های گمراه‌کننده به راه حل‌هایی بوده که خود آنها نه تنها حل‌کننده بحران، بلکه تبدیل به بحران جدیدی شده‌اند. محاصل این فرایندها تبدیل شدن «بی‌اعتمادی اجتماعی» به «شکاف عمیق سیاسی و اجتماعی» در لایه‌های مختلف جامعه ایرانی در یک دهه گذشته بوده است. در کنار این تحولات، گسست سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در کشور از بدنه تخصصی و علمی، جایگزینی گفتمان‌های شبه علم و ضدعلم به جایگفتمان‌های علمی و در عین حال سیاست‌زدگی در تصمیمات، شکاف میان شعارها و دستاوردها را تشدید نموده است. این وضعیت منجر به فاصله‌گیری نهادهای قدرت از برنامه‌ریزی-نتیجه محور، به سوی نوعی عوام‌گرایی مستمر و ترسیم افق‌های کوتاه مدت در سیاست‌ها و در نتیجه آن هدر رفت بخش عظیمی از سرمایه‌ها و فرسایش زیرساخت‌ها شده است. تعدد این گسست‌ها، منجر به افزایش تردید گروه‌های بیشتری از جامعه به کارآمدی نهاد سیاست و افزایش سهم گروه‌های خاکستری و منزوی در کنش‌های سیاسی شد.

میزان و الگوی مشارکت مردم در انتخابات‌های اخیر بطور عینی و آماری بازنمایی از این وضعیت و احساس خطرناشی از گسست اجتماعی را پدید آورد. نسبت مردم با صندوق‌های رای نشانگر صریحی از وضعیت‌های اجتماعی و سیاسی شد که پیش از این نهاد علم بارها درباره آن هشدار داده بود. انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری و عدم مشارکت ۵۰ درصدی مصداق عینی از این شکاف بود که در قالب آرای‌ی که بیشتر نه به گفتمان مسلط بود، نمایان شد.

بنابراین بازاندیشی در روندهای حکمرانی و آگاهی از آینده این تحولات و کیفیت اثرگذاری آن بر ثبات سیاسی و تلاش برای تغییرات معنادار در ساختار سیاستگذاری در کشورضرورت مهمی است. امروز بحران عدم اعتماد به علم،به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، نتایج زیان‌باری را حاصل آورده که بخش مهمی از آنها در قالب ناکامی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی نمایان شده است. برداشت و فهم ما بر این است که به منظور کاهش این گسست، یکی از اولویت‌های اصلی برای دولت چهاردهم «اجتماعی بودن دولت» و حساسیت سیاست‌ها و اقدامات به موضوعات اجتماعی با انجام مشورت های مفصل با کارشناسان و صاحب نظران این حوزه است.

بنابر این ضرورت، رئیس جمهور برای گفت و شنود پیرامون مهمترین مسائل و راهبردهای اجرایی در این مسیر میزبان تعدادی از جامعه شناسان بود. یکی از ابعاد مهم این نشست فراهم‌سازی فرصت برای بازنمایی دیدگاه‌ها و رویکردهای اصحاب علوم اجتماعی پیرامون مهمترین مسائل جامعه ایران و در عین حال ایجاد «هم‌مسالگی» میان دولت و نخبگان بود.

مهمترین موضوعات مطرح شده در این نشست در قالب محورهای ذیل قابل صورت‌بندی است.

۱- سازماندهی اجتماعی به فرایندها و اقدامات دولت: یکی از نکات مهمی که جامعه شناسان بر آن تأکید نمودند فرسایش سرمایه اجتماعی در دو دهه گذشته و بروز و ظهور طیف متنوعی از اعتراضات و تشدید شکاف دولت-ملت در سایه برخوردهای



فرج واقعی: فردمحوری یا یک تحول جمعی؟

«اللهم عجل لولیک الفرج» وقتی این عبارت رو توی دعاهامون می‌گیم، دقیقاً چه منظوری پس ذهنمون هست؟ این طور که من تا به حال فهمیدم، منظوری که پس ذهن اغلبمون می‌گذره، این هست که خدایا ظهور امام زمان رو نزدیک تر کن و توی همین بحث نزدیکی ظهور هم اومدن و قدرت گرفتن به فرد خاص مدنظر مونه. ولی سؤال اینجاست که آیا فرج واقعی به بودن یا نبودن به فرد خاص گره خورده؟ اولین سؤالی که اینجا به ذهن میاد این هست که اگر فرج به بود و نبود به فرد خاص گره خورده، خب چه کاریه که نبودنش چند قرن به تأخیر افتاده؟ آیا نمی‌شه گفت که این همه سال تأخیر نشون از این داره که فرج واقعی فراتر از بود و نبود این به نفر خاص، به زمینه‌های دیگه‌ای هم نیاز داره و فراتر از زمینه‌ها، اساساً معنای خاص دیگه‌ای فراتر از بود یا نبود به فرد بخصوص از انسان داره؟

دومین سؤال در امتداد سؤال اول این هست که خب اگر واقعاً مسئله، مسئله‌ی بود و نبود به فرد خاص هست، مگه یازده تا از این افراد خاص نیومدن، آیا در دوران بودنشون، این فرج اتفاق افتاده؟

اگر نه، خب پس انگار اصل ماجرای فرج به بود و نبود اون به نفر خاص گره نداره، بلکه به چیزِی فراتر گره داره که اگر باشه، خود این فرد خاص با بودنش می‌تونه نقش مکملی در رخ‌داد فرج ایفا کنه و اگر اون چیز فراتر وجود نداشته باشه، اون فرد یا افراد خاص باید پس پرده‌ی غیبیت، زندگی‌شون رو دنبال کنن و عملاً اثری از آثار حضور و وجودشون در جامعه‌ی بشری مشهود نخواهد بود.

با تکیه بر دوتا سؤال قبل، این سؤال به ذهنم می‌رسه که خب چرا بنیام و فرج رو از یه زاویه‌ی متفاوت و عکس زاویه‌ی نگاه فردمحور، بنبینیم؟ یعنی چرا بنیام و روی این اعتقاد و اینسستم که تحقق فرج، تحقق نوعی امر معنوی هست. یعنی واقعاً اون عدالتنه و برادریه و آزادی معنوی که قراره در ابعاد بزرگی مثل جامعه‌ی بشری اتفاق بیافته، به مسئله‌ی کاملاً جمعی هست که افراد مختلف بشر هر کدوم به فراخور ظرفیت‌هاشون، باید در اون نقش ایفا کنن. حالا یه نفر بر اساس استعداد الهی خودش، در مقام راهبری مرکزی این جریان قرار می‌گیره و افراد دیگه هر کدوم پنا‌بر استعدادهای دیگه، در مختصات‌های دیگه از این فرایند، ایفای نقش می‌کنن که در مجموع حساسیت ایفای نقش‌ها چنانچه برآمده از ظرفیت خدادادی و مأموریت الهی هر انسان باشه، بر مأموریت دیگری ترجیح رتبی نداره.

اگر این دلالت دوم از تحقق فرج رو قبول کنیم، اون وقت چه‌بسا دلالت اول، حکم نوعی مانع برای تحقق فرج رو ایفا کنه، خصوصاً وقتی دلالت اول با خوانش‌های اسطوره‌ای درآمیخته می‌شه و این رو توی ساحت بین‌الاذهانی جامعه رسوخ می‌ده که عدل و ناعدلی، خیر و شر، همه و همه در گرو اراده‌ی یک ابرانسان هست. او باشد، عدل و خیر هست و او نباشد، ظلم و شر، دامن‌گیر بشر خواهد بود!

حالا مقدمه‌ی این بحث بر اساس ادبیات دینی شکل گرفت، اما فراتر از ادبیات دین، انگار قشر متجدد و روشنفکر ما، حتی اون دسته از ایشان که رویکردهای لایتیک دارن، هم تحقق فرج و تغییر در احوال جامعه‌ی بشری رو با بود یا نبود ابرانسانی متناسب باجهان‌بینی اجتماعی خودمی‌بینن و عملاً طرح و نقشه‌ای برای بیدار کردن و به تحرک واداشتن جامعه و تقویت روابط متقابل اجتماعی ندارن. و همه‌ی این‌ها باعث شده تا جامعه‌ی ما در طی دو قرن اخیر علی‌رغم همه‌ی تلاشی که برای ایجاد تحول و توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی داشته، عملاً در نوعی چرخه‌ی معیوب از آمد و رفت جریانات سیاسی بیفته. چرخه‌ای که بیش از آنکه به قدرت ساحت بین‌الاذهانی جامعه تکیه داشته باشد و تحقق عدالت برآمده از اراده‌ی جمعی رو خواستار باشد، دائماً چشم به ظهور و بروز ابرقهرمان‌های سیاسی دارد که یک‌شبه ریشه‌ی ظلم و ناکارآمدی فرایند حاکم رو از بیخ و بن ببرد و در یک چشم به هم زدن، عدالت موعود رو سرپا کنند. چیزی که هیچ‌وقت اتفاق نیفتاده و عملاً با بافتی پیوسته از بد و خوب این ابرقهرمان‌های مقطعی و جبرخوران درگاه همایونی‌شان طرف بوده و هستیم. به کل اونچه بالاتر عرض شد، به چشم یک طرح مسئله نگاه کنید. مسئله‌ای که به نظر وقتش هست تا به صورت دقیق‌تری زیر ذره‌بین جامعه‌ی ایرانی قرار بگیرد. چرا می‌گویم جامعه‌ی ایرانی و نه مثلاً قشر اندیشه‌ورز؟ چون اصل و اساس و به قول معروف، جنس این مسئله، جنسی فراطبیقاتی است و باید کل جامعه، بله، کل کل جامعه با آن درگیر شود و برای آن دنبال جواب باشد یا فراتر از جواب، منطقی منعطف برای دیالوگ اجتماعی و آزمون و خطای پویا و هدفمند پاسخ‌های احتمالی طراحی کند.



چشم انداز پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

۱. شصتمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تنها شاهد پیامدهای داخلی نخواهد بود و اصلی‌ترین تأثیر آن در عرصه جهانی به‌ویژه در حوزه غرب آسیا خواهد بود. به گونه‌ای که بر اساس نتایج یک نظرسنجی جدید نشان می‌دهد که شهروندان آمریکایی به شدت نگران گسترش درگیری‌ها در منطقه غرب آسیا هستند.

۲. براساس نظرسنجی مؤسسه AP-NORC، از هر دو نفر آمریکایی، یک نفر ابراز نگرانی عمیق از تبدیل شدن تنش‌های فعلی به یک جنگ منطقه‌ای گسترده کرده است. ۳. آمار نشان می‌دهد، ۶۰ درصد از دموکرات‌ها معتقدند رژیم اسرائیل نقش پررنگی در تشدید و ادامه بحران دارد. این در حالی است که تنها یک چهارم جمهوری خواهان، این رژیم را در این زمینه مقصر می‌دانند.

۴. درباره مواجهه آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، بر اساس داده های مختلف، تقویت جریان‌های رادیکال و هسته‌های سخت اپوزیسیون همچون منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و سازماندهی عملیاتی آنها برای درگیر ساختن ایران به بحران‌های داخلی و اعتراضات اجتماعی و همچنین مهار ایران در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در دستور کار دولت ترامپ در دور جدید قرار گیرد.

۵. ترامپ مطمئنا به روابط نزدیک با رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داد. بنابراین تمام طرح‌های وی برای پایان دادن به جنگ تا حد زیادی به نفع رژیم خواهد بود.

۶. احتمالا ترامپ برای پایان بخشیدن به جنگ غزه فشار بیشتری بر نتانیاهو وارد و دست او را برای انجام اقداماتی که منجر به فشار بیشتر جبهه مقاومت شود بازتر می‌کند.

۷. داشتن رابطه گرم با ریاض و تمایل به دستیابی به یک توافق میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی شبیه به توافق ابراهیم در سال ۲۰۲۰، از اصول مهم ترامپ خواهد بود.

۸. برخی کارشناسان معتقدند که در دوره جدید ترامپ با توجه به خصومتی که وی با زلنسکی دارد بحران اوکراین تا حدودی به نفع روسیه خاتمه یابد.

۹. در عرصه بین الملل به نظر می‌رسد اولویت دولت ترامپ بر چین تمرکز یابد و رقابت با چین خصوصا در عرصه اقتصادی پررنگ‌تر شود.

نحوه مواجهه ترامپ با اتحادیه اروپا نکته بعدی است. اگر رفتار اروپایی‌ها به سبک گذشته ادامه یابد شاهد محیط تنش آلودی بین طرفین باشیم.

محمدشریفی



این روزها اخبار کمتری از جبهه جنگ رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان به گوش می‌رسد و هرچند درگیری‌ها همچنان ادامه دارد اما از شدت حملات صهیونیست‌ها کاسته شده و رسانه‌های اسرائیلی در حال گمانه‌زنی‌هایی درباره پایان عملیات زمینی ارتش این رژیم در جنوب لبنان هستند. کانال ۱۳ اسرائیل اخیرا گزارش داد ارتش اسرائیل بعد از بیش از یک ماه از آغاز عملیات زمینی خود در جنوب لبنان، به اعلام پایان این عملیات نزدیک می‌شود. همچنین چندین رسانه دیگر اسرائیلی نیز به نقل از منابع امنیتی گزارش‌هایی درباره احتمال پایان عملیات‌های نظامی اسرائیل در لبنان منتشر کرده‌اند.

پایان عملیات‌های نظامی معمولا منوط به ۲ اصل است؛ یا طرف مهاجم اهداف خود را محقق کرده و دلیلی برای ادامه جنگ نمی‌بیند یا برعکس در دستیابی به اهداف خود شکست خورده و چشم‌اندازی برای پیروزی وجود ندارد. درباره جبهه جنوب لبنان کدام مورد به واقعیت نزدیک است؟ آیا رژیم صهیونیستی به اهداف اعلامی خود در لبنان دست یافته است؟

۱. صهیونیست‌ها انتظار داشتند با ترور و شهادت رهبران و فرماندهان حزب‌الله بویژه شهیدان سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین، شالوده مقاومت لبنان در هم شکسته شود و سپس در یک عملیات زمینی برق‌آسا با تصرف بخش‌هایی از جنوب لبنان، حزب‌الله و بیروت را وادار به پذیرش شروط خود و آتش‌بس کنند اما واقعیات میدانی و سیاسی نشانی از پیشبرد اهداف تل‌آویو در لبنان ندارد و به نظر نمی‌رسد اشغالگران توانسته باشند به موفقیت چشم‌گیری علیه حزب‌الله دست یافته باشند. بسیاری از تحلیلگران غربی و صهیونیستی پس از شهادت آیت‌الله نصرالله کار مقاومت لبنان را تمام شده خواندند و بر طبل پیروزی کوبیدند اما این برای نخستین‌بار نیست که رهبران و فرماندهان حزب‌الله با ربایش یا ترورهای ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی حذف می‌شوند. از امام موسی صدر تا سیدعباس موسوی و حالا سیدحسن نصرالله و از شهادت فرماندهان بزرگ مانند عماد مغنیه و اکنون شهادت برخی فرماندهان ارشد حزب‌الله مانند سیدفؤاد شکر و ابراهیم عقیل، هیچ یک خللی در سازماندهی و مهم‌تر از آن، عزم و ایمان نیروهای مقاومت ایجاد نکرده و این چیزی است که صهیونیست‌ها را هر بار شوکه کرده است. مهندس شیخ‌نعیم قاسم، رهبر جدید حزب‌الله در سخنرانی اخیر خود با تأکید بر این مساله گفت: حزب‌الله یک ساختار

صهیونیست‌ها در دام حزب‌الله

بسیار قدرتمند دارد و نقش کارگزار و فرد در آن کم‌رنگ است؛ اگر مسئولی در این جنبش به هر دلیلی نتواند وظایف خود را انجام دهد، بلافاصله فردی با توانایی‌ها و قابلیت‌های مشابه جایگزین می‌شود.

۲. شواهد میدانی نشان می‌دهد شلیک موشک‌ها به اراضی اشغالی از لبنان نه تنها متوقف نشده، بلکه روند افزایشی داشته و دامنه آن از شهرک‌های اشغالی به دیگر شهرهای اسرائیل مثل حیفا و حتی کلانشهر تل‌آویو رسیده است؛ مساله‌ای که محاسبات رژیم صهیونیستی را به طور کلی برهم زده است.

روزنامه یدیעות آحرانوت گزارش داد به‌رغم بیانیه‌های ارتش مبنی بر پاکسازی خطوط مرزی و از بین بردن تجهیزات حزب‌الله، نیروهای حزب‌الله همچنان از این مناطق، شمال فلسطین اشغالی را آماج حملات موشکی و راکتی خود قرار می‌دهند. یک نمونه آن حمله به شهرک ایون مناخم بود. علاوه بر این، ارتش صهیونیستی طی ۴۰ روز عملیات زمینی خود در لبنان متحمل تلفات بالایی شده و دست‌کم یکصد نظامی اسرائیلی به هلاکت رسیده و هزار نفر دیگر مجروح شده‌اند.

۳. در حالی که حزب‌الله مرحله شوک ناشی از شهادت رهبران و فرماندهانش را پشت سر گذاشته و قدرت آن در حال بازیابی کامل است، رژیم صهیونیستی برعکس در جبهه داخلی بویژه از نظر سیاسی و اقتصادی وارد بحران‌های عمیق‌تری شده است. جنگ قدرت در اسرائیل اخیرا منجر به اخراج یوآو گالاتت وزیر جنگ شد و فشار نیروهای اپوزیسیون و اعتراضات گسترده ضدنتانیاهو باعث شده موضوع فروپاشی احتمالی کابینه او به سرتیتر اخبار رسانه‌های این رژیم بازگردد.

۴. پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ایالات متحده اگر چه به باور برخی افراد به سود نتانیاهو است اما این را هم باید در نظر داشته باشیم که یکی از دلایل پیروزی ترامپ وعده‌های او برای پایان دادن به جنگ در غرب آسیا و اوکراین بود؛ همان‌طور که یکی از دلایل اصلی شکست کاملا هریس ناتوانی در برقراری آتش‌بس در غزه و لبنان و روگردانی مسلمانان و عرب‌های آمریکایی از رای به نامزد دموکرات‌ها و ریزش شدید آرای وی در میان اقلیت‌های آمریکایی بود. رسانه اسرائیلی وای نت از فشار مقامات دولت احتمالی ترامپ به کاخ سفید برای برقراری آتش‌بس بین اسرائیل و حزب‌الله خبر داد. این رسانه نوشت: ترامپ به بایدن گفته انتظار دارد شاهد پیشرفت در تلاش‌ها برای دستیابی به آتش‌بس بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان باشد.

۵. مجموعه این تحولات چاره‌ای برای رهبران سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی باقی نگذاشته جز آنکه به فکر عقب‌نشینی و خروج از جبهه لبنان بدون هیچ دستاورد خاصی باشند؛ سناریویی که بسیار محتمل به نظر می‌رسد و یک شکست مفتضحانه دیگر به کارنامه اشغالگران در لبنان اضافه خواهد کرد.

آینده

علی‌مهدیان

دولت ائتلافی آلمان فروپاشید، بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا هم امروز گفت ما در خطر قرار داریم. اروپا مسئولیت امنیتش را خودش باید برعهده بگیرد؛ زیرا نمی‌تواند هر ۴ سال یکبار به حال‌وهوای انتخابات آمریکا وابسته باشد. این یعنی نگرانی اروپا از آینده خود، جدی است.

دو جنگ اکراین و اسرائیل عملا راه‌های انرژی اروپا را بسته. تفوق روسیه و مقاومت عملا انرژی در دنیا را از دست غرب خارج می‌کند. و این یعنی غرب تابع شرق خواهد شد. ترامپ تصمیم دارد پول خود را خرج اسرائیل کند، این یک اشتباه راهبردی است، آنها خیال می‌کنند در سمت اسرائیل احتمال بیشتری برای گشایش دارند، آلمان اولین متضرر جدی این ماجرا است با انتخاب ترامپ دولتشان فروپاشید، شرکت‌های بزرگ اقتصادی‌شان هم مدتی است در معرض ورشکستگی است، ترامپ بنا ندارد به ناتو

رسیدگی کند در سمت مقاومت هم بعید است تفوقی برای اسرائیل حاصل شود چون جنس مقاومت اساسا متفاوت است، مقاومت، اراده‌ای تغییر کردنی نیست. و این محاصره اسرائیل توسط حلقه مقاوت تمام شدنی نیست. مقاومت در ایران چند سالی هست چهل سالگی خود را عبور کرده، مقاومت حزب الله هم که وضعش را می‌بینید اصلا انگار نه انگار ضربات چند هزار نفری پیجرها و ترور فرماندهان محوری‌اش اتفاق افتاده، ربیون قرآنی‌اند این تشکیلات. اینها که هیچ، انصارالله هم که از فشار عجیب و غریب سالیها جنگ با عربستان و بلک واتر آمریکا و غرب و همه و همه سربلند و پیروز برآمده و هل من مبارز می‌طلبد، حماس هم که زمینش محاصره است و در اشغال است و به اندازه چند بمب اتم بر سرش آتش ریخته‌اند و سرانش را ترور کرده‌اند، هنوز راکت می‌زند، مرکاوا شکار می‌کند، حرامی نفله می‌کند در تل آویو و فرمانده می‌کشد در غزه و زندانی‌ها را هم که در اختیار دارد. این صحنه چگونه بنا است عوض شود؟ دقت کنید اساسا جنس مقاومت غیر عادی است. یک چیزی بگویم آب پاکی را روی دستتان بریزم، مقاومت یا باید تغییر هویت دهد و دست از قیام بردارد یا تا وقتی اهل مقاومت است حتی اگر همه اعضایش تک به تک کشته شوند، نابود نمی‌شود، زنده می‌ماند و متحول می‌کند و می‌جوشد و می‌جوشاند، مثل داستان واقعی کربلایشان. همه را کشتند با امامشان، اما ماند که ماند.

اینها یعنی چه یعنی همین که می‌بینید و می‌شنوید؛ پیام‌های روشن ضعف اروپا یعنی ضعف غرب، همه چیز سرعت گرفته برای بروز پیروزی مقاومت و شکست دشمن. و این یعنی یک قدم مهم در امت سازی و گسترش قیام و انقلاب و این یعنی یک گام بلند به سمت ظهور.

صهیونیستی در یک سال گذشته مهاجرت‌ها از سرزمین‌های اشغالی به شدت افزایش یافته است و صهیونیست‌ها به دنبال کشوری امن به لحاظ اقتصادی و امنیتی برای خود می‌گردند.

با توجه به اینکه نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی میان تماشاگران حضور داشتند، این موضوع موجب تقویت سناریویی شد که بر مبنای آن، با ایجاد ترس به‌دنبال جلوگیری از مهاجرت معکوس از رژیم صهیونیستی شوند. سران صهیونیست در سالی که گذشت بارها نگرانی‌های خود را از مهاجرت مضاعف از سرزمین‌های اشغالی ابراز کردند، ولی با تمام تدابیر و ممنوعیت‌هایی که از سوی مقام‌های صهیونیست اتخاذ شد، همچنان سیر صعودی مهاجرت‌ها ادامه دارد. این اتفاقات می‌تواند در راستای بازدارندگی اجباری صهیونیست‌ها از سیل عظیم مهاجرت‌ها تلقی شود.

با این اوصاف، ظلم و جنایت‌های رژیم صهیونیستی بر مردم دنیا پوشیده نیست و بارها در کشورهای مختلف اعم از اروپا شاهد اعتراضات گسترده علیه رژیم صهیونیستی و حملات ضدصهیونیستی هستیم که شاید اندکی از ظلم خود به مردم و کودکان مظلوم غزه و فلسطین را درک کنند. معترضان آمستردام با شعار «برای کودکان غزه» و «فلسطین را آزاد کنید» به صهیونیست‌های اطراف ورزشگاه حمله ور شدند؛ به گونه‌ای که آشکار شد دیگر مردم دنیا و حامیان اقدامات بشردوستانه تاب اقدامات وحشیانه رژیم اشغالگر صهیونیستی را ندارند.

می‌دهد هلندی‌ها در حال اعتراض مسالمت آمیز در حمایت از مردم مظلوم فلسطین بودند که هواداران رژیم جعلی صهیونیستی با تخریب اموال عمومی و آتش زدن پرچم‌های کشور فلسطین در سطح شهر موجب تحریک هواداران آژاکس آمستردام شدند.

پس از این اقدام شرورانه، هواداران آژاکس به سوی صهیونیست‌ها حمله ور شدند و درگیری‌ها به قدری بالا گرفت که به‌وسیله پلیس محلی قابل کنترل نبود. در این درگیری بیش از ۱۰۰ تماشاگر صهیونیست زخمی، ۲۰ نفر مفقود و دو نفر نیز کشته شدند. هر چند دفتر نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود هوپیماهایی برای بازگرداندن صهیونیست‌ها اعزام خواهد کرد، اما این اقدام در نهایت انجام نشد.

درگیری‌ها با وجود ممنوعیت تظاهرات طرفداران فلسطینی به‌وسیله شهردار آمستردام و نگرانی‌ها در زمینه تنش میان معترضان و هواداران باشگاه فوتبال صهیونیستی آغاز شد. تصاویر و اسناد منتشر شده از ویزای برخی صهیونیست‌ها نشان می‌دهد عضو ارتش صهیونیستی هستند و بی‌تردید با اقدامات آگاهانه موجب تحریک تماشاگران هلندی شدند.

به دلیل افزایش تنش‌های نظامی و بحران شدید اقتصاد رژیم



چندی پیش تیم فوتبال آژاکس هلند در چارچوب رقابت‌های لیگ اروپا به مصاف تیمی از رژیم صهیونیستی رفت. نکته‌ای که این رقابت را از تمام دیدارهای فوتبالی جهان متمایز کرد، درگیری گروهی از معترضان هلندی به اقدامات رژیم صهیونیستی با هواداران فوتبال این رژیم بود. گروهی از معترضان هلندی در آمستردام با شعارهای خود صهیونیسم را با توجه به جنایت‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و همدستانش محکوم کردند. گزارش‌ها نشان

حادثه آمستردام، رسوایی صهیونیست‌ها در بُعد جهانی

افزایش نرخ ارز؛ راهکاری ناقص و ناکارآمد برای مهار تقاضای ارزی

محمد طاهر رحیمی

شکل‌گیری هر بازاری به وجود شرایط «کارایی» وابسته است. کارایی همان نیروی محرکه‌ای است که بازار را به وجود می‌آورد و به آن حیات می‌بخشد. به عبارت دیگر، نمی‌توان ابتدا بازاری را ایجاد کرد و سپس به دنبال ایجاد کارایی در آن بود. کارایی باید از همان ابتدا و با استفاده از ابزارهای حکمرانی مناسب فراهم شود. در اقتصاد ایران، بسیاری از این ابزارها و شاخص‌های لازم برای ایجاد کارایی وجود ندارد. عدم کارایی بازار در حوزه ارز نیز مشهود است. نوسانات شدید نرخ ارز ناشی از عدم وجود یک بازار کارا و واقعی در کشور است.

■ کسری تراز پرداخت‌ها، تهدیدی جدی برای اقتصاد کشور

تا زمانی که این شرایط اساسی مهیا نشود، نمی‌توان از وجود یک بازار واقعی صحبت کرد. اصطلاحاتی مانند بازار آزاد، رسمی یا غیررسمی در این شرایط معنایی ندارند، چرا که اساساً ساختار و عملکرد یک بازار در کشور شکل نگرفته است. در واقع، قیمت ارز در کشور بیشتر تحت تأثیر عوامل روانی، انتظارات تورمی و تصمیمات لحظه‌ای سیاست‌گذاران قرار دارد تا عوامل بنیادین اقتصادی.

مفهوم «ناکارایی در سیاست‌گذاری اقتصادی» موضوعی است که در مباحث نظری این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اقتصاد کشور، این ناکارایی به طور مشخص با متغیری به نام کسری تراز پرداخت‌های بین‌المللی همبسته شده است. این اصطلاح به وضعیتی گفته می‌شود که در آن، درآمدهای ارزی یک کشور کمتر از هزینه‌های ارزی آن است. به عبارت دیگر، کشوری که با کسری تراز پرداخت مواجه است، بیش از آنچه درآمد ارزی دارد، ارز خارجی هزینه می‌کند. این ناترازی میان درآمد و هزینه‌های ارزی، نشان‌دهنده وجود مشکلاتی اساسی در اقتصاد آن کشور است و می‌تواند پیامدهای منفی متعددی از جمله کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و وابستگی به منابع خارجی را به دنبال داشته باشد.

■ افزایش نرخ ارز؛ راهکاری ناکارآمد برای مهار تقاضای ارزی

در آمارها به وضوح مشخص است که بخش قابل توجهی از تقاضا برای ارز، حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار، به نرخ ارز ریالی حساسیت بسیار کمی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، حتی اگر نرخ ارز به طور ناگهانی به ۵۰۰ هزار تومان در هر دلار افزایش یابد، این بخش از تقاضا همچنان به قوت خود باقی خواهد



نقاط مبهم نقشه تجارت

محمد رضا مولاییاری

به طور کلی «صادرات» کاری زمان‌بر و دارای مراحل متعدد است. رویه عمومی صادرات در کشور از دریافت کارت بازرگانی، بازاریابی و شناسایی بازارهای صادراتی و ... آغاز شده و به مراحل گمرکی، رفع تعهد ارزی و استرداد مالیاتی ختم می‌شود. این عرصه پیچیده، دارای مراحل و بازیگران متعدد است که بعضاً تجارت خارجی ایران را با چالش‌های جدی مواجه می‌کنند. البته حضور برخی از نهادها در نقشه نگاشت نهادی تجارت الزامی است. اما ۲ نقطه ضعف اساسی در فرآیند و نقشه تجارت خارجی ایران وجود دارد:

- فقدان نهاد راهبر: این مسئله سبب شده است در بسیاری از موارد، چالش‌های به‌وجود آمده در ساختار تجارت خارجی کشور، که بعضاً صرفاً با هماهنگی بین چند دستگاه اجرایی قابل رفع باشد، برای مدت زمان زیادی باقی بماند و صادرات کشور را با محدودیت مواجه کند.
- نقش‌آفرینی نهادهای هم‌تراز و هم‌سطح: به دلیل عدم شفافیت وظایف و حیطه اختیارات نهادهای دخیل در صادرات، این نهادها به روش‌های مختلفی می‌توانند با افزودن رویه‌ها و مجوزهای جدید یا عدم عمل به وظایف قانونی خود، فرآیند صادرات را با چالش‌های بیشتری مواجه کنند.
- «موازی کاری»، «کندی سیستم تصمیم‌گیری»، «عملکرد جزیره‌ای» و «عدم ارائه طرح‌های توسعه‌بخش» در نتیجه این دو مشکل ایجاد می‌شود. از این رو بسیاری از مسائل ساده به موضوع کلان تبدیل می‌شوند و ساختار تجارت خارجی را دچار درگیری می‌کنند.



■ قاچاق، خروج سرمایه و وابستگی به واردات؛ سه ریشه بحران

کسری تراز پرداخت‌ها

در این شرایط، عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز آزاد، مانند خروج سرمایه، همچنان به افزایش تقاضا برای ارز خارجی دامن می‌زنند. در نتیجه، دولت مجبور خواهد شد به طور مداوم سقف قیمتی را افزایش دهد تا بتواند عرضه و تقاضا را متعادل کند. این چرخه معیوب و رو به رشد، در نهایت به فروپاشی اقتصاد و سیستم سیاسی کشور منجر خواهد شد. برای کشوری که با کسری تراز پرداخت دست و پنجه نرم می‌کند، صحبت از سرکوب نرخ ارز و ارزیابی نیز کاملاً بی‌معنا و حتی متناقض است. این سیاست‌ها نه تنها در عمل اثربخش نیستند، بلکه از دیدگاه اقتصاد نیز توجیه‌پذیر نیستند.

بحران کسری تراز پرداخت‌های کشور ریشه در سه عامل اصلی دارد. اول، قاچاق بی‌رویه کالا که ارز بسیاری را از کشور خارج می‌کند. دوم، خروج سرمایه‌های هنگفت به ارزش حدود ۴۰ میلیارد دلار است که فشار زیادی بر بازار ارز وارد می‌کند. سوم، وابستگی شدید اقتصاد کشور به واردات است. حتی در سال‌های بحرانی مانند ۱۳۹۹ که همه‌گیری کرونا و تشدید تحریم‌ها منجر به افزایش چند برابری نرخ ارز شد، نه تنها صادرات افزایش نیافت، بلکه واردات نیز کاهش چندانی نیافت. در واقع، یک هسته کشش‌ناپذیر به نرخ ریالی ارز در کسری تراز پرداخت‌های کشور وجود دارد که به عنوان اصلی‌ترین عامل کسری تراز پرداخت‌ها عمل می‌کند.

مردم چگونه به طلای آنلاین اعتماد کنند؟

رضا قربانی



رضا قربانی با حضور در استودیوی پخش زنده برنامه گفتگوی اقتصادی رادیو گفت‌وگو با اشاره به این که فروش کالاها و موارد غیرقانونی در فضای مجازی مهبیاست، افزود: نمی‌توان گفت این معضلات صرفاً در فضای مجازی وجود دارد و فضای حقیقی اقتصاد عاری از آن است.

رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران افزود: هر جا که دولت بیشترین دخالت را داشته باشد، مشکل‌زا خواهد بود. اما راهکار کجاست؟ قربانی با اشاره به سابقه بیش از ۱۰۰ ساله اتاق بازرگانی اظهار کرد: اتاق انبوهی از انجمن‌ها و نهادهای مختلف دارد. اتحادیه کسبوکار مجازی هم زیر مجموعه اتاق اصناف تعریف می‌شود. در این بین نهادهای تخصصی موفق عمل کردند. مثلاً همه پزشکان و مهندسان پروانه نظام‌پزشکی یا مهندسی دارند و ما هم سازمان نظام صنفی یارانه‌ای را داریم که در تمام این سال‌ها نتوانسته کار خود را به‌درستی انجام دهد. وی افزود: اتاق اصناف معتقد است ساماندهی اصناف با اوست و سازمان نظام صنفی یارانه‌ای هم قانونی است؛ ولی در این بین مجوزی تعریف نشده که موجب ایجاد شکاف بوده باشد. قربانی در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با بیان این که باید تفکر خود را نسبت به فروش مجازی تغییر دهیم، افزود: دنیای رمزآرها به ما آموخت که باید از کنترل متمرکز عبور کنیم. بیت‌کوین نشان داد بدون یک نهاد متمرکز نیز توان کار کرد. تا وقتی که نگاه متمرکز جاری و ساری باشد و مثلاً صرفاً اینماد را مختص اعتماد در نظر بگیریم، راه را اشتباه رفته‌ایم.

رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران پیشنهاد داد چندین نماد نظیر اینمادی در نظر بگیریم و ادامه داد: ما سازمانی را با رویکرد عدالت و حمایت ایجاد کردیم؛ ولی در عمل کسبوکار را فلج کردیم؛ چون این سازمان هر طور بخواهد،

اقتصاد



برنامه‌های توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی در غزه

پیشخوان
Pishkhan.com

روزنامه عبری هاآرتص برنامه‌های این رژیم را برای تقویت کنترل خود بر غزه و تأمین حضور خود حداقل تا پایان سال ۲۰۲۵ فاش کرد.

۱. توسعه زیرساخت: این نهاد در حال تلاش برای ساخت جاده‌های وسیع، پایگاه‌های نظامی بزرگ، و زیرساخت‌های دائمی مانند آب، فاضلاب، برق و سازه‌های متحرک در غزه است.

۲. حضور نظامی: تأسیسات نظامی شامل کانتینرهای مستحکم مجهز به تمام امکانات رفاهی است که تصور حضور نظامی طولانی مدت را ایجاد می‌کند.

۳. کاهش جمعیت: مناطق شمال غزه شاهد کاهش شدید جمعیت غیرنظامی بود، زیرا مناطقی که زمانی بیش از نیم میلیون نفر را در خود جای داده بودند به حدود ۲۰ هزار نفر کاهش یافت.

۴. ارتش اشغالگر به طور سیستماتیک ساختمان‌های موجود را تخریب می‌کند و این مناطق را غیرقابل سکونت می‌کند.

۵. گسترش محور نتراریم از یک کریدور باریک به یک منطقه باز و وسیع به عرض تقریبی ۵-۶ کیلومتر و طول ۹ کیلومتر، با برنامه‌هایی برای گسترش بیشتر

۶. این نهاد همچنین مناطقی را در امتداد محور صلاح الدین (فیلالدفیا) با فاصله بین ۱ تا ۳ کیلومتر کاوش و گسترش داد. تمایل برای گسترش بیشتر وجود دارد، اما با اعتراضات بین‌المللی مواجه است.

۷. یک منطقه حائل به عرض حداقل ۱ کیلومتر در امتداد مرز برای محافظت از ساکنان شهرک‌های همجوار (نوار غزه) ایجاد می‌شود.

۸. کریدورهایی که در ابتدا برای اهداف لجستیکی موقت ایجاد شده بودند در حال تبدیل شدن به تأسیسات مرزی دائمی در داخل غزه هستند.

۹. با توجه به اظهارات در مورد بازسازی شهرک‌های سابق، پروژه‌های زیرساختی گسترده نشان‌دهنده تغییر به سمت حضور بلندمدت اسرائیل و شاید مرحله جدیدی از اشغال بالفعل نوار غزه است.

«راه آهن سه جانبه» پل ارتباطی جدید آسیای مرکزی با چین



راه آهن سه جانبه قرقیزستان، ازبکستان و چین نه تنها زمینه اتصال کشورهای آسیای مرکزی را فراهم می‌کند بلکه بستر انتقال کالاهای چینی به اروپا را نیز تسهیل خواهد کرد.

در این میان دو کشور قرقیزستان و ازبکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی نیز شاهد جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه اشتغال و در نهایت شکوفایی اقتصادی خواهند بود.



کتاب‌نخواندن الگوسازان؛ مهمترین مانع کتابخوانی

موسی‌غیور

موسی غیور، نویسنده ادبیات دفاع مقدس، به ستاد خبری سی‌ودومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران گفت: بی‌شک آگاهی به همه چیزهای خوب مفید است و کمک می‌کند. همبستگی ملی هم از آن چیزهای «خوب» است که چهل و ناآگاهی می‌تواند به آن آسیب بزند. حتما کتاب و کتابخوانی که مقدمه آگاهی و دانایی است، به قوام و دوام این همبستگی کمک می‌کند.

وی همچنین به مهمترین موانع کتابخوانی در کشور اشاره کرد و ادامه داد: کتابخوانی موانع زیادی دارد، اما شاید مهمترین مانع آن کتاب نخواندن پدر و مادرها، مربیان و کسانی است که در جایگاه‌های الگوسازی برای دیگران قرار گرفته‌اند.

غیور افزود: در کنار آن، ارج‌گذاری و حرمت به دانایی و دانایان اهمیت دارد. افراد بیشتر جذب چیزهایی می‌شوند که باعث ارزشمندی آن‌ها نزد جامعه و خانواده شود.

نویسنده کتاب «باز نخچیر؛ خاطرات سرهنگ خلبان غلامعلی شیرازی» در ادامه به اهمیت تحریک احساس نیاز به کتابخوانی در جامعه پرداخت و گفت: دعوت به مطالعه یک کار تربیتی است که خانه و مدرسه باید برای آن برنامه‌ریزی کنند. موثرترین راه دعوت به مطالعه این است که والدین و مربیان جلوی چشم بچه‌ها مطالعه کنند تا آنها هم به این عمل ارزشمند تشویق شوند.

این نویسنده ادبیات دفاع مقدس همچنین با اشاره به رقبای جدی کتابخوانی ادامه داد: مدت‌هاست که کتاب و کتابخوانی با رقبای جدی مانند فضای مجازی مواجه هستند، اما بیان این نکته مهم است که این ابزارها به هیچ‌وجه انسان را از خواندن کتاب بی‌نیاز نمی‌کند و نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای کتاب باشد.

غیور همچنین به اهمیت هفته کتاب در فرهنگ عمومی کشور اشاره کرد و گفت: هفته کتاب ارزش کتاب و کتابخوانی را به ما یادآوری می‌کند و در ترویج فرهنگ کتابخوانی هم موثر است. البته که تذکر در هر زمینه‌ای تاثیر دارد و در فرهنگ دینی هم تاکید شده که تذکر به نفع مومنان است.

سی‌ودومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «خواندن برای همدلی» از ۲۳ آبان ۱۴۰۳ شروع شده و تا سی‌ام آبان ادامه دارد.

کارگردان آمریکایی رئیس هیئت داوران فستیوال فیلم برلین شد



تاد هینز، کارگردان و نویسنده مطرح آمریکایی، به‌عنوان رئیس هیئت داوران جشنواره فیلم برلین در سال ۲۰۲۵ انتخاب شد. مدیران این جشنواره در توضیح انتخاب این کارگردان در جایگاه رئیس هیئت داوران از وی به‌عنوان فیلمسازی بااستعداد یاد کردند و مجموعه آثار او را از نظر ژانر متنوع و گسترده خواندند.

در کارنامه هینز آثاری چون «ایمن»، «معدن طلای مخملی»، «کارول»، «می دسامبر»، «هن آنجا نیستم» و... به چشم می‌خورد. این کارگردان تاکنون یک‌بار در سال ۲۰۰۲ برای ساخت فیلم «دور از بهشت» نامزد دریافت جایزه اُسکار شده است و یکی از فیلمسازان موفق آمریکایی در جشنواره‌های اروپایی نظیر برلین و کن به حساب می‌آید.

آزمون آهنگ‌سازی برای ورود به دانشگاه اشتباه است

سورناقجر



برنامه موسیقایی «ارغنون» رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع آسیب‌شناسی ورودی هنرستان موسیقی به دانشکده‌های موسیقی با سورنا قجر نوازنده ویولون، دانشجوی آهنگ‌سازی دانشگاه هنر تهران و نفر اول رشته آهنگ‌سازی دانشگاه هنر در کنکور سراسری مصاحبه کرد.

قجر گفت: ویولون از کودکی در منزل ما وجود داشت و پدر همیشه ما را به سمت موسیقی تشویق می‌کرد. موسیقی را از هشت‌سالگی و با نوازندگی تنبک شروع و بعد از مدتی ویولون را به‌عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کردم.

نفر اول رشته آهنگ‌سازی دانشگاه هنر اظهار کرد: رشته آهنگ‌سازی در سال ۱۳۹۳ از هنرستان حذف شد و باوجود علاقه زیادی که به آهنگ‌سازی داشتم؛ اما به‌اجبار رشته نوازندگی را انتخاب کردم و بعد از شرکت در کنکور و کسب رتبه اول آهنگ‌سازی، وارد دانشکده هنر دانشگاه تهران شدم.

نوازنده ویولون اظهار کرد: نظام آموزشی و شرایط داخل دبیرستان‌ها و دروس عمومی و متفرقه در دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها فرصت کار کردن در آهنگ‌سازی را نمی‌دهد؛ اما در کل آهنگ‌ساز و نوازندگی خیلی جدا از هم نیستند و در یک مسیر قرار دارند.

قجر، هنرستان را بستری برای پیشرفت هنرجویان دانست و افزود: هنرجویانی که در هنرستان تحصیل می‌کنند اغلب خارج از هنرستان هم با اساتید مربوطه تحصیل می‌کنند؛ اما در کل، هنرستان نمی‌تواند کسی را به ساز زدن مجبور کند؛ چون فضایی است که هنرجویان می‌توانند در آن خودشان را رشد دهند.

وی با بیان اینکه تنبک زنی کمک بسزایی به درک بهتر موسیقی و ریتم می‌کند گفت: رشته آهنگ‌سازی طالب زیادی در هنرستان‌ها نداشته و بچه‌های هنرستان ذوق و شوق زیادی برای نوازندگی و ساز زدن دارند و شاید هم به همین دلیل از هنرستان‌ها حذف شد.

دانشجوی آهنگ‌سازی دانشگاه هنر تهران در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو معتقد است که آزمون آهنگ‌سازی برای ورود به دانشگاه و حتی شرایط دانشگاه برای آموزش آهنگ‌سازی غلط است.

قجر با بیان اینکه اکثر آهنگ‌سازان برجسته موسیقی کلاسیک و حتی ایرانی در تاریخ، از نوازندگی به آهنگ‌سازی رسیدند؛ یعنی اول به درجه خوبی از نوازندگی دست پیدا کردند و سپس وارد حیطه آهنگ‌سازی شدند تأکید کرد: بهتر است که بچه‌ها در هنرستان‌ها اول روی نوازندگی کار کنند و افرادی که شوق‌ودذوق ملودی‌نویسی و خلق اثر را دارند به آهنگ‌سازی بپردازند و در ادامه آهنگ‌سازی خود را پرورش دهند.

نوازنده ویولون با اشاره به اینکه هنرستان‌ها شرایط بسیار مناسبی برای آموزش موسیقی و یادگیری در رشته موسیقی دارند گفت: خوشبختانه اساتید هنرستان‌ها اساتید برجسته با سطح کاری خیلی بالایی هستند. وی افزود: کنکور هنر دوم‌رحله‌ای است که هنرجویان در مرحله اول برای سه درس درک عمومی هنر، درک عمومی ریاضی و فیزیک و خلاقیت تصویری کنکور تستی می‌دهند و طبق محاسبات بنده از کنکور امسال، ۳۸ درصد سهم کنکور هنر به مرحله اول برمی‌گردد.

قجر از کمبود تعداد سؤالات در کنکور تستی به‌عنوان یکی از مشکلات بچه‌های هنرستان موسیقی یادکرد و گفت: بچه‌های هنرستان به‌شدت در این زمینه ضعف دارند؛ چون هیچ یک از کتاب درک عمومی هنر را در هنرستان ندارند. از مشکلات دیگر کنکور هنر در بخش موسیقی، تأثیر ناچیز آزمون عملی (۲۲درصد) نسبت به اهمیتی است که برای رشته موسیقی دارد.

دانشجوی آهنگ‌سازی دانشگاه هنر تهران ضمن انتقاد از کمبود ظرفیت پذیرش روزانه در رشته موسیقی اظهار کرد: یکی از مشکلات عجیب کنکور هنر این است که برخی دروس منابع ندارند؛ مانند درس «درک عمومی ریاضی فیزیک» با ضریب ۵ که هیچ منبعی برای آن تعریف نشده است.

برنده جایزه «بوکر ۲۰۲۴» مشخص شد



کتاب‌هایی به جایزه‌ی «بوکر» ۲۰۲۴ راه یافتند که در فاصله‌ی یکم اکتبر ۲۰۲۳ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴ منتشر شده‌اند. برنده نهایی امسال از بین ۱۵۶ کتابی که واجد شرایط بودند انتخاب شد.

جایزه بوکر که در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد، یکی از مشهورترین جوایز ادبی جهان است که هر ساله به نویسنده‌ی رمانی که به زبان انگلیسی نوشته و در بریتانیا یا ایرلند منتشر شده باشد، اهدا و اغلب به عنوان سنگ بنای حرفه‌ای یک نویسنده در نظر گرفته می‌شود و به طور منظم ستاره‌های ادبی جدید را معرفی می‌کند. «پل لینچ»، نویسنده‌ی ایرلندی برای نگارش پنجمین رمان خود با عنوان «آواز پیامبر» به عنوان برنده‌ی جایزه‌ی ادبی بوکر ۲۰۲۳ انتخاب شد.

هفته کتاب فرصتی عالی برای برگزاری جشن‌های بین‌المللی فرهنگی است

ذاکر عارف

ذاکر عارف جان‌اف معلم زبان فارسی در آکادمی بین‌المللی اسلامی ازبکستان است. زبان فارسی در این آکادمی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود و عارف جان‌اف تدریس زبان فارسی برای ۱۰۰ دانشجو را بر عهده دارد.

او در گذشته در دانشگاه شرق‌شناسی تاشکند تدریس می‌کرد و خودش نیز فارغ‌التحصیل همان دانشگاه است. عارف جان‌اف در ۱۰ سالی که زبان فارسی را آموخته است به قول خودش آن‌چنان عاشق این زبان شده که جز پرداختن به زبان و ادبیات فارسی کار دیگری انجام نمی‌دهد. کتاب و کتابخوانی از جمله دغدغه‌های این استاد زبان فارسی ازبکستانی است. به مناسبت هفته کتابی دیگر سراغ او رفتیم و درباره هفته کتاب و وضعیت زبان فارسی در ازبکستان به گفت‌وگو نشستیم.

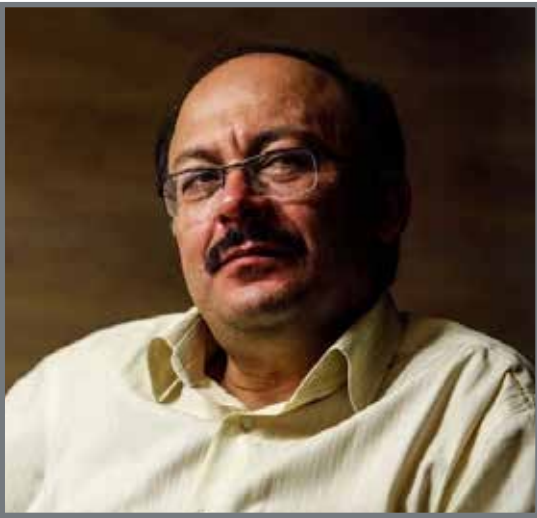
عارف جان‌اف، برگزاری هفته کتاب را راه بسیار موثری برای افزایش علاقه‌مندی مردم به مطالعه عنوان کرد و گفت: می‌توانم چند دلیل برای اثبات این موضوع بیان کنم. اولاً هفته‌ای که به عنوان هفته کتاب نامگذاری می‌شود می‌تواند باعث اتحاد مردم حول موضوع مشترک کتاب‌خوانی شود. این رویداد جمعی می‌تواند با تبلیغات گسترده‌ای در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌ها همراه باشد. این تبلیغات به جذب حداکثری افراد کمک می‌کند. تنوع برنامه‌هایی مانند مسابقات ادبی، نمایشگاه‌های کتاب، نشست با نویسندگان و سخنرانی باعث جذب اقشار مختلف مردم و معرفی کتاب‌های ارزشمند به آنان می‌شود. وی افزود: هفته کتاب فرصت فوق‌العاده‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی ایجاد می‌کند. به مردم امکان می‌دهد که درباره کتاب‌ها، نویسندگان و ژانرهای جدید صحبت کنند. چنین رویدادهایی می‌تواند افراد را برای شروع یا تجدید مطالعه ترغیب کند. هفته کتاب می‌تواند جامعه کتاب‌دوستی را پرورش دهد که در آن افراد در خصوص کتاب‌های مورد علاقه خود تبادل نظر کنند. در چنین جامعه‌ای مردم در تمام طول سال در امر کتابخوانی مشارکت دارند. البته این اهداف برای به ثمر رسیدن به تلاش و حمایت مداوم نیاز دارد.

این استاد زبان فارسی ازبکستانی در پاسخ به این سوال که «چگونه می‌توان برنامه‌های هفته کتاب را به صورت مشترک با دیگر کشورها برگزار کرد؟» گفت: در این مورد می‌توان بسیار صحبت کرد. اما نکته مهم این است که هفته کتاب یک فرصت عالی برای برگزاری جشن‌های بین‌المللی کتابخوانی است. مثلاً هر کشوری می‌تواند کتاب‌هایی را که منعکس‌کننده فرهنگ و آداب رسوم خود هستند، به دیگر کشورها هدیه کند. همچنین می‌توان در آن یک مسابقه بین‌المللی طراحی کرد؛ مثل یک مسابقه نقاشی یا مقاله‌نویسی با محوریت کتاب. برگزاری تورهای مجازی دیدار از کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌های سراسر جهان هم ایده خوبی است.

ذاکر عارف جان‌اف در بخش دیگری از سخنان خود با توصیف کتاب به‌عنوان پل فرهنگی میان کشورهای مختلف، ادامه داد: کتاب به مردم کشورهای مختلف اجازه می‌دهد که با زندگی، تاریخ، ارزش‌ها و سنت‌های یکدیگر آشنا شوند. با مطالعه کتاب‌های دیگر کشورها می‌توان از جهان‌بینی مردمان آن کشور مطلع شد و کل جهان را بهتر درک کرد. کتاب ابزاری برای برقراری گفت‌وگو، تقویت درک متقابل و دوستی میان ملت‌هاست.

ستون پنجم اسرائیل بابنیان های فرهنگی ایران بیگانه است

بیژن عبدالکریمی



بیژن عبدالکریمی، مدیر انتشارات نقد فرهنگ درباره وضعیت نشر در حوزه ادبیات علوم انسانی به برنامه سوفیا گفت: نشر در وضعیت مناسبی قرار ندارد. در حوزه آی -تی و رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی با رشد چشمگیری روبهرو هستیم و بخشی از زمان و زندگی مردم صرف این شبکه ها می شود. همچنین سرعت انتقال اطلاعات بالا رفته و نوعی بی حوصلگی و شتاب بر زندگی مردم سایه انداخته است. امروز با مشکلات داخلی در حوزه فرهنگ روبهرو هستیم و به این مهم کمتر توجه کرده ایم.

وی وضعیت دانشگاه ها را نیز احمقانه توصیف کرد که به صدور مدرک گرویده است. همچنین مدارک دانشگاه بی معنا شده و همه به سمت دکترا حرکت کردند و در چنین فضایی نمی توان اثری فخیم در حوزه علوم انسانی و فلسفه تولید کرد.

کتاب حاصل نوعی عشق و دردمندی است؛ ولی رشد تولید آن بسیار کاهش یافته است. در کنار این با مسائل اقتصادی مواجه هستیم و به قول یکی از مترجمان آثار فلسفی، تولید یک اثر شاید به زمان یک ساله نیازمند باشد و در این مدت، مترجم محروم ترین شکل زندگی را تجربه می کند. شمار چنین کتاب هایی اندک است و به هیچ وجه هزینه آن باز نمی گردد.

وی با بیان این که ویرایش کتاب حدود ۵۰ میلیون تومان هزینه در بر دارد، افزود: چاپ کتاب منطق اقتصادی ندارد. پیش تر ارشاد حمایت هایی می کرد؛ ولی امروز به دلیل بحران های اقتصادی کتاب ها خریداری نمی شود.

از این رو به لحاظ تولید محتوا و فنی شدیداً با بحران مواجهیم و اگر به همین دستینه پیش رویم با مرگ صنعت کتاب روبهرو خواهیم شد.

عبدالکریمی در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت وگو از بحران عمیق فرهنگی سخن گفت که فقط به حوزه کتاب باز نمی گردد و گریبان تئاتر و سینما و دیگر شاخه های فرهنگ و هنر و حتی مسائل اجتماعی و سیاسی را نیز گرفته است.

در حالی که مقوله فرهنگ در کشور پله و رهاست. در میان چهره های سیاسی حتی یک فرد فرهنگی نمی شناسیم و در نهایت مسئولان تکنوکرات - بوروکرات هستند که قصد پرداخت حقوق و بیمه کارمندان خود را دارند. برخورد با مقوله فرهنگ این چنین نیست.

وی با بیان این که نسل های ما به پیشینه خود پشت کردند و غرب سالاری جوانان ما را دربر گرفته است، افزود: ما با مرگ دانشگاه مواجهیم و با هولوکاست آموزش و پرورش روبهرو هستیم و تا زمانی که مسئولان درنیاوند سیاست باید در برابر

اهل فرهنگ زانوی ادب بزند، مشکلات حل نمی شود و کتاب کوچک ترین جز این مسائل است.

امروز سیاست با نگاه های پلیسی قصد دارد به اهل فرهنگ، آموزش دهد و برای آن ها برنامه ریزی کند. این سیاست عهد قجری است. همچنین رادیو و تلویزیون ما شکست خورده و مخاطب چندانی ندارد و اگر این تغییر نگاه صورت نگیرد و با مقوله فرهنگ مواجهه فرهنگی نداشته باشیم، انسجام ملی را از دست خواهیم داد.

■ کتب فلسفی با شمارگان ۳۰۰ نسخه

همچنین حسن سید عرب، استاد حوزه فلسفه و نویسنده در مصاحبه با رادیو گفت وگو با بیان این که نمی توان درباره علوم انسانی در کشور داوری نمود، اظهار کرد: جریان نشر در حوزه فلسفه کند پیش می رود که به اقتصاد نشر باز نمی گردد؛ بلکه تألیف و ترجمه متون فلسفی نیازمند تأمل و صبوری است. همچنین نشر فلسفی در کشور خارج از دانشگاه ها رونق و رواج دارد. این مهم بر عهده دانشگاه ها نیست و یا این که محافل علمی سهمی اندک در آن دارند. در مقابل مترجمان خوبی در حوزه فلسفه غرب و فلسفه اسلامی داریم که در کنار اشتغالات علمی، کار تألیف و ترجمه را انجام می دهند.

وی با بیان این که نشر فلسفی امروز به حوزه متافیزیک باز نمی گردد، افزود: این آثار ترجمه عموماً فلسفه مضاف را در بر می گیرد که شامل فلسفه سیاسی، اخلاق، علم، معرفت شناسی و... است. رایج شدن این انواع نیز به دلیل سلاقی گوناگون در جامعه است.

از طرفی مشکلاتی پیشروی ناشران وجود دارد و صنعت نشر فلسفی نیز محدود بوده و شمارگان در حد ۳۰۰ نسخه است و هزینه های جانبی کتدب نظیر حق تألیف، ویرایش، کارهای فنی و چاپ بالاست که نرخ کتب را بالا خواهد برد.

سید عرب با بیان این که ناشران باوجود سختی ها به حیات خود ادامه می دهند، افزود: حوزه نشر به نهاد بزرگی به نام دولت نیاز دارد؛ چون باید از ناشران دفاع کند؛ آن هم در قبال چرخه اقتصادی که سود بسیار اندکی دارد.

ناشران به کمک نیاز دارند که به معنای خرید تعدادی کتاب از ناشران نیست؛ بلکه باید از حیث فنی وارد عمل شده و امور مدیریت نشر را تسهیل نمایند.

وی با بیان این که کتب فلسفی هم نیاز به کمک دارند تا روی پای خود بایستند، به رادیو گفت وگو گفت: ناشرانی که گلابه و تأکید دارند هزینه جانبی کتاب زیاد است، کار خود را تعطیل خواهند کرد؛ ولی بسیاری ناشران همچنان کار می کنند و انواع کتاب ها را به جامعه فرهنگی کشور عرضه می دارند.

این افراد هرچند با عشق کار می کنند؛ اما این صنعت را به تعطیلی نکشانند؛ ولی مگر چه میزان می توان با عشق کار کرد؟! سید عرب تأکید کرد دولت باید وارد کمک همه جانبه به حوزه نشر شود؛ همچنین باید با اتحادیه ناشران وارد صحبت شده و مشکلات را بر طرف نماید.

اما اگر دولت کمک همه جانبه داشته و مدیران نشر هم شروع به تولید کنند، باز هم با معضل مخاطب روبهرو هستیم. مخاطبان کتاب خاصه در حوزه فلسفه، کاهش پیدا کرده؛ چون از جهت نوع مواجهه با این موضوع ترجیح می دهند از فایل های اینترنتی استفاده کرده و یا آثار مورد نظر را از دوستان و کتابخانه ها قرض بگیرند.

وی این مشکلات را زمینه های دانست که به دست خیرگان حوزه فرهنگ و نخبگان حل و فصل می شود.

■ ناآشنایی مترجمان با واژگان فلسفی

در ادامه اسماعیل بنی اردلان، استاد دانشگاه هنر در مصاحبه با برنامه سوفیا با بیان این که نویسنده و مترجم باید درباره ارتباط گیری یک محتوا با جامعه معاصر شناخت کافی داشته باشد، اظهار کرد: غالباً کسانی که در حوزه دانشگاه کتابی ترجمه می کنند، صرفاً به روانی متن خارجی توجه دارند در حالی که باید بدانند این محتوا متوجه کدام بحث در جامعه است؟! این اولین آفت است و معمولاً اکثر ترجمه ها سنگینی با وضع زمانه امروز ما ندارند و طبیعتاً یک امر انتزاعی صرف، از رده خارج می شود؛ چون به مسائل جامعه ملزم نیست.

وی افزود: در حوزه ترجمه اکثر مترجمان تحصیل کرده هستند؛ ولی عموماً با الفاظی در متون مواجه می شوند که مشخص نیست چگونه باید با فرهنگ ایرانی تطبیق داده شود. مثلاً در فلسفه اگزیستانسیالیسم، ژان پل سارتر از درون سو و برون سو استفاده کرده است؛ اما این واژگان به نظر مخاطب ایرانی آشنا نمی آید و چنین واژگان فلسفی با سنت ما همسو نیست. بنی اردلان ادامه داد: چنین ترجمه هایی سنگینی با تاریخ و فرهنگ ما ندارد؛ ولی وقتی از واژه فی نفسه در ترجمه استفاده می کنیم، عبارتی است که برای مخاطب امروز روشن و شفاف است؛ چرا که در ایران از این عبارتها استفاده می کنیم.

این نویسنده و مترجم به متون پیچیده کانت در حوزه فلسفه نیز اشاره کرد و افزود: متون فلسفی مدرن و پست مدرن هم ترجمه می شود؛ ولی آیا مخاطب از آن سر در می آورد؟! مترجمان نیز تسلط لازم را به متون اصلی و حتی داخلی ندارند.

■ علاقه مخاطب به کتب فلسفی

در ادامه محسن فرجی، مدیر انتشارات خزه که روی خط ارتباطی رادیو گفت وگو حاضر بود، با بیان این که حال نشر خاصه در ماه های اخیر اصلاً خوب نیست، افزود: این مسائل به دلیل شرایط غیر نشری و غیر فرهنگی است.

در مجموع فلسفه از رشته های پر مخاطب نشر محسوب می شود؛ ولی به نظر می رسد در دوره فقر مترجمان مسلط در این حوزه به سر می بریم.

وی یادآوری کرد: در گذشته ترجمه های واضح و خوبی برای مخاطبان فارسی زبان اتفاق می افتد؛ ولی امروز مترجمی مسلط به عرصه فلسفه نداریم تا مفهوم را به درستی و کامل منتقل کند و این یک آسیب جدی است.

در این حوزه آسیب شناسی صورت نمی گیرد؛ چون یک نشر تخصصی برای رصد و نقد آثار ترجمه فلسفی وجود ندارد؛ بنابراین یک مترجم در حوزه رمان و سبک زندگی کار کرده و متن فلسفی نیز ترجمه می کند؛ ولی چطور چنین چیزی میسر است؟

فرجی خاطرنشان کرد: در برابر این آسیب جدی هیچ نظارت و نقد و تحلیلی صورت نمی گیرد تا ترجمه های آثار فلسفی را در ترازوی نقد قرار دهد.

وی در بخشی دیگر از سخنان خود در رادیو گفت وگو تصریح کرد: فلسفه از رشته های پر طرفدار است که نشان می دهد شور و شوق دانستن و درک بهتر جهان و فهم خود و دیگری در مخاطب امروز ما شکل گرفته است.

البته همه کتب ترجمه و تألیف در رشته فلسفه الزاماً سنگین و کلاسیک نیستند و فلسفه مضاف را در بر می گیرند؛ ولی چون مرجع مشخصی وجود ندارد، مخاطب عام دقیق و درست بودن ترجمه را در نمی یابد.



جامعه برقرار شود.

رئیس انجمن ترویج علم ایران در آخر با اشاره به اینکه جهان تخصصی شده است افزود: عمومی سازی و همگانی بودن علم نکته مهمی است. بحث آموزش و توجه به اخلاق و ارزش های اخلاقی نیز اهمیت دارد. اطلاعات در مورد هر علمی باید به صورت خلاصه و ساده در اختیار همه قرار داشته باشد یادگیری مستمر نیز بحث مهمی است.



سعودی و چالش های موسم الرياض:

جشنواره مد و سرگرمی - تفریحی ریاض باز جنجال آفرین شد، به ویژه فشن شوی الی صعب که برند معروف لبنانی است با رزق و برقی که حضور خوانندگان آمریکایی و کانادایی و اروپایی مانند جنیفر لویز و سلین دیون به آن بخشیدند، دوباره حملات گسترده ی تندروها و سلفی ها را در پی داشت.

این نوع جشنواره ها معمولاً در سایر کشورهای عربی هم مانند حوزه ی خلیج حتادر مصر و تونس نیز نظارتی دارد اما از آنجا که عربستان پرچمدار بیرق اسلامی در منطقه است، انتظار اسلام گرایان همواره این بوده که از برگزاری چنین جشنواره هایی که خطوط قرمز شریعت را رد می کنند، پرهیز کند.

اما به نظر می رسد مشکل سعودی در دوگانگی گفتمانی است که دولت آن به کار می برد، دولتی که خاستگاه قوانین اش را منابع اسلامی کتاب و سنت معرفی می کند اما در عین حال مجوز فعالیت های سرگرمی - هنری و رقصیدن نیمه برهنه جنیفر لویز و گردشگری در استخرهای شنا و جنبه هایی از مد که مختص کشورهای سکولار است را نیز صادر می کند.

اما اقتصاد سعودی که قصد دارد کشور خود را در نقشه جهانی اقتصاد و گردشگری قرار دهد و جدای از نفت منابع درآمد خود را متنوع و چندساحتی کند با اصلاحات ولیعهد بن سلمان چندین سال است به صرافت افتاده تا ساختار و سرمایه گذاری و زمینه های مختلف بانک های ربوی، دیسکوها، بارها و مشروب فروشی ها، سینماها و تمام جنبه های زندگی مدرن را هم در کشورش فراهم کند که با روح قوانین شرعی او متعارض است.

ظاهراً راه حل دولت سعودی برای رفع و رجوع چنین تعارضاتی، وضع قوانین خاص برای شهرهای مقدس مکه و مدینه است که موقعیت استثنایی و مشابه واتیکان را برای این اماکن در نظر گیرد.

استدلالی که پشت این تصمیم بوده به ظاهر از این قرار است که ایالت وسیع و گسترده ای که مساحت آن دست کم برابر با ده کشور بزرگ اروپایی است و مساحت آن دو شهر مقدس در آن صرفاً یک درصد کل این سرزمین است، پذیرفته نیست که سیستم یک کشور غول پیکر با مساحت بیش از دو و نیم میلیون کیلومتر مربع را با قوانین منحصر به فرد آن دو شهر اداره شود.

استدلالی دیگر که از سوی مدیرانی چون شاهزاده بدر بن عبدالله بن فرحان، وزیر فرهنگ فعلی سعودی، و استاد حامد بن محمد فایز معاون وزیر فرهنگ در رسانه هایی چون الشرق الاوسط به گوش می رسد این است که حرمت شهرهای مقدس واجب است اما شهرهایی چون ریاض و جدّه و النماص و غیره در این کشور وسیع، تاریخا و شرعا از هیچ نوع قداستی برخوردار نبوده و نیستند که با منع برنامه های جاه طلبانه اقتصادی و گردشگری و مقررات و قوانین خاصی روبرو باشند.

مدیران دولت سعودی از این استدلال تحت عنوان «چشم انداز روشن توسعه بدون مغایرت با ارزش های اسلامی» دفاع می کنند که جهت دستیابی به تعادل بین اصالت و مدرنیته باید بین دین و اهداف بلندپروازانه دولت مدرن تعادل برقرار شود.

بنابراین، طبیعی است که فعالیت های اقتصادی و گردشگری سازمان دهی شده با هدف ارتقای کیفیت زندگی و پیشبرد توسعه و در عین حال تنظیم کنترل هایی که به فرهنگ و سنت های جامعه احترام می گذارد، اجرای شان در تقابل و تعارض با منافع و مصالح سنت گرایان نیز قرار نمی گیرند. چرا که تمامت آنها به بخشی از یک چشم انداز گسترده تر که هدف آن تقویت اقتصاد ملی، ایجاد فرصت های شغلی و کاهش وابستگی به نفت است تفسیر پذیرند، چنانکه هیچ دولتی در سراسر جهان، ریختار تمام شهرها و استان های خود را به قالب و فرم شهرهای مذهبی طراحی نمی کند، اولویت شهرسازی در چشم انداز سعودی نیز به توسعه و نوسازی مناطق شهری در راستای منافع ملی قرار گرفته است.

این مجمل دیدگاه هایی است که دولتمردان متمایل به ارزش های عصر سکولار در سعودی در برابر منتقدان سنتی جشنواره هایی چون موسم الرياض ابراز کرده اند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | طه آهووی | گرافیست و صفحه آرا | سارا کولیوند
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۵۸ _ ۰۹۹۳۳۱۶۱۶۳۴ | آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۵۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۴
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON

“



هفته کتاب فرصتی عالی برای برگزاری جشن های بین المللی فرهنگی است

کتاب به مردم کشورهای مختلف اجازه می دهد که با زندگی، تاریخ، ارزش ها و سنت های یکدیگر آشنا شوند. با مطالعه کتاب های دیگر کشورها می توان از جهان بینی مردمان آن کشور مطلع شد و کل جهان را بهتر درک کرد.

1

برنده جایزه ((بوکر ۲۰۲۴)) مشخص شد

جایزه ادبی بوکر ۲۰۲۴ به رمان «مدار» اثر «سامانتا هاروی» اهدا شد و رئیس هیات داوران انتخاب بوکر از آن به عنوان اثری که اکنون به آن نیاز داریم یاد کرد.

1

بحرین، جمهوری آذربایجان و بلغارستان در مضیقه!



تصمیم جدید اتحادیه جهانی کشتی درباره دوتابعیتی ها؛ بحرین، جمهوری آذربایجان و بلغارستان در مضیقه!

هیأت اجرایی اتحادیه جهانی کشتی پس از اجلاسی که داشت، درباره دوتابعیتی ها و تغییر تابعیت برخی کشتی گیران آزاد و فرنگی کار تصمیماتی گرفت که اجرایی شدن آن تبعات بسیاری را برای کشورهای که از کشتی گیران دوتابعیتی زیادی استفاده می کنند، خواهد داشت؛ من جمله کشورهایی که اخیراً به لیست مهمان پذیرها اضافه شده اند.

طبق این تصمیم UWW، از آغاز سال جدید میلادی، هر کشوری از بین کشتی گیرهای دوتابعیتی خود فقط ۲ تن را در مجموع آزاد و فرنگی می تواند در مسابقات قهرمانی جهان و المپیک میدان دهد و از سال ۲۰۲۹ این تعداد به ۱ تن کاهش خواهد یافت؛ مسئله ای که قطعاً به مذاق کشورهایی مانند بحرین، جمهوری آذربایجان، بلغارستان، آلبانی، اسلواکی و صربستان خوش نخواهد آمد.

تیم ملی فوتبال به قرقیزستان پرواز کرد



اعضای تیم ملی فوتبال ایران ساعت ۱۷:۳۰ دیروز شنبه ۲۶ آبان برای برگزاری ششمین دیدار خود در رقابت های انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ با پرواز اختصاصی عازم قرقیزستان شد.
تیم های ملی ایران و قرقیزستان ۲۹ آبان از ساعت ۱۷:۳۰ رو در روی هم قرار خواهند گرفت.

کسب مدال نقره رقابت های جهانی سامبو



بنی طلا و کسب مدال نقره رقابت های جهانی سامبو
رقابت های جهانی سامبو در آستانه قزاقستان برگزار شد و ملی پوشان سامبوی ایران برای نخستین بار توسط میثم بنی طلا موفق به کسب مدال جهانی در این رقابت ها شدند.

اهمیت توجه و امکانات کیفی برای اعزام کیفی

دنیاچیدری



بدهد. ورزشکاری که اتفاقاً توانمندی های خود را با کسب طلای قهرمانی آسیا نیز ثابت کرده است، اما این توانمندی برای پایدار ماندن نیاز به توجه و تمرین مکرر دارد. اما آیا با شرایطی که او از آن صحبت می کند، می توان امیدی به تداوم موفقیت هایش داشت؟ کاش جای زدن از سر و ته کاروان ایران در رقابت های مختلف برای به چشم آمدن مدال ها و عنوان های کسب شده، آقایانی که کیفیت برایشان در اولویت است، بالا بردن کیفیت امکانات، زیرساخت ها و حمایت ها را نیز در اولویت قرار می دادند تا هم بتوانند کاروانی با حداکثر نفرت به مسابقات مختلف اعزام و هم حداکثر عنوان ها و مدال ها را نیز کسب کنند، چراکه تعداد نفرت اعزامی هیچ منافاتی با کسب موفقیت ندارد، مگر آنکه شرایط برای موفق شدن آنها مهیا نبوده باشد که در آن صورت نیز این متوجه مسئولان است، نه ورزشکاران.

واقعیت این است که می توان به جای کاهش تعداد نفرت کاروان ایران در رقابت های حائز اهمیت، کیفیت امکانات و حمایت ها را بالا برد تا اعزام کیفی به معنای خط زدن ورزشکاران نباشد. ورزشکارانی که سال های سال با حداکثر سختی ها و دشواری ها و حداقل امکانات تلاش و تمرین کردند تا توانمندی های خود را در میادین بین المللی به رخ بکشند و برای کشور خود افتخار آفرین باشند با سدی مواجه می شوند که هیچ راهی برای عبور از آن نیست! سدی که به نظر می رسد بیشتر برای ماله کشیدن روی کم کاری های مسئولان بنا نهاده شده است! مسئولانی که ترجیح می دهند کم کاری های خود در مهیا کردن شرایط و امکانات برای نتیجه گرفتن ورزشکاران را در پس طرح هایی، چون اعزام کیفی پنهان کنند که اگر غیر از این باشد هیچ دلیلی وجود ندارد وقتی امکانات، شرایط، زیرساخت ها و حتی حمایت ها آنطور که باید و شاید کیفی نیست، نام ورزشکار به بهانه های کیفی از لیست اعزام خط بخورد! بالا بودن تعداد نفرت اعزامی کاروان های ورزشی هیچ منافاتی با کیفی بودن آن ندارد، مگر آنکه شرایط برای بالابردن کیفیت ورزشکاران جهت حضور در مسابقات مختلف مهیا نشده باشد، در آن صورت عجیب نیست اگر آقایان اهمال کاری خود در ارتقای کیفیت را با خط زدن نام ورزشکارانی که احتمالی برای موفقیت آنها قائل نمی شوند پنهان کنند که این جز پاک کردن صورت مسئله نیست. مهدی محمدی، عضو تیم ملی پارادوچرخه سواری و دارنده مدال طلای قهرمانی آسیا در تایم تریل انفرادی آخرین ورزشکاری نیست که با گلایه از شرایط موجود تأکید دارد به جای تمرین کردن ناچار به کابینت سازی برای تأمین نیازهای خانواده است. ورزشکاری که بی تردید اگر شرایط و امکانات کافی جهت برگزاری تمریناتش را داشته باشد، می تواند موفقیت هایش را تکرار کند و در غیر این صورت عجیب نیست اگر مشمول قانون اعزام کیفی شود و شانس حضور در مسابقات، چون پاراآسیایی و پارالمپیک را از دست

کمتر روزی است که شاهد درد دل و گلایه ورزشکاران در رسانه ها نباشیم؛ ورزشکارانی که سال ها با حداقل ها برای بالابردن پرچم پرافتخار کشورشان تلاش و تمرین کردند، اما با وجود کسب عنوان ها و مدال های مختلف، همچنان هشت شان گرو نه شان است، چراکه یا عمدتاً شغلی ندارند و منتظر مساعدت مسئولان در زمینه اشتغال شان هستند یا ناچارند برای تأمین مایحتاج خانواده و برآمدن از عهده مخارج ورزش قهرمانی، از ساعت های تمرین خود بزنند! دست آخر نیز بسیاری از آنها درست در مقاطع حساسی که انتظار دارند بتوانند نتیجه تمام تلاش ها و سختی هایی را که سال ها تحمل کردند در رقابت های حائز اهمیت، چون المپیک و بازی های آسیایی بگیرند، با تصمیم سفت و سخت آقایان مواجه می شوند که بی توجه به تمام دشواری های مسیر و کاستی های موجود، به بهانه اعزام کیفی قلم قرمز روی نام آنها می کشند!
طی سال های گذشته بارها و بارها با واژه اعزام کیفی در ورزش مواجه شدیم، خصوصاً قبل از رقابت های حائز اهمیت، چون المپیک یا بازی های آسیایی. واژه ای که خیلی زود در ورزش ایران از حرف به عمل تبدیل شد، آن هم در شرایطی که مخالفان بسیاری داشت که قسمت اعظم آن ورزشکاران بودند، اما هرگز طی تمام این سال هایی که واژه اعزام کیفی توانست در ورزش ایران به یک اصل تبدیل شود، هیچ یک از آقایان مسئولی که به عملی شدن این تصمیم اصرار داشتند به فکر این نیفتادند که امکانات و حمایت های خود را هم کیفی کنند تا با اعزام کیفی، حق هیچ ورزشکاری پایمال نشود! توجه به کیفیت، به خودی خود اتفاق بدی نیست. چه چیز بهتر از آنکه تمام اعضای کاروانی که راهی مسابقات مختلف می شوند با دست پر برگردند. اتفاقی که تیم چهار نفره تکواندوی ایران با کسب صددرصدی مدال در المپیک پاریس رقم زد؛ اتفاقی که، اما طی سال های اخیر مسئولان ورزش کشور برای رقم زدن آن تصمیم به کاهش تعداد نفرت اعزامی گرفتند تا افزایش آنها به واسطه حمایت ها و رسیدگی بیشتر!